

## قیام به قسط و عدل

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره به پاخیزندگان برای خدا و گواهان به عدل باشید و دشمنی قومی شما را وادار نسازد که عدالت نکنید؛ عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و از خدا پروا کنید همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»  
(سوره مائده آیه ۸)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اجرای اصول عدالت اجتماعی ضروری‌ترین نیاز هر جامعه‌ای است و پایداری و بقای هر نظامی رابطه تنگاتنگی با تحقق عدالت و اشباع روح حق طلبی و عدالت خواهی مردم دارد. به گفته پیامبر اسلام (ص) حکومت ممکن است با کفر بماند ولی با ظلم نمی‌ماند. اساساً عالم آفرینش بر نظام حق و عدل استوار است. همه پدیده‌های جهان از کوچکترین جزء آن (اتم) تا بزرگترین کهکشانها، مطابق با قوانین الهی حرکت می‌کنند و

حقوق خود اشباع نموده‌اند.

این آیه خطاب به مؤمنان، آنها را به سوی عدل و داد فرا می‌خواند و از آنها می‌خواهد که همواره برای خدا به پا خیزند و تمام کار و کوششهایشان برای خدا باشد و نیز گواهان به عدل و قسط باشند و مطابق با عدل و انصاف

شهادت دهند و

دشمنی با قومی

آنها را وادار نکند

که از دایره عدل و

انصاف بیرون

روند و در حق آنها

شهادت ظالمانه

بدهند. پس از بیان

به گفته پیامبر  
اسلام(ص)  
حکومت  
ممکن است  
با کفر بماند  
ولی با ظلم  
نمی‌ماند.

این مطلب خاطر نشان می‌سازد که همیشه با عدالت رفتار کنید که عدالت به تقوا نزدیکتر است.

از نظر اسلام، عدالت یک آرمان مقدس و با ارزشی است که مسلمانان، هم به صورت فردی و هم به صورت

کوچکترین تخلفی در آن نیست و می‌توان گفت که جهان جلوه‌گاه عدالت خداوند است.

جامعه بشری نیز باید با جهان آفرینش هماهنگ و همسو باشد و عدل و قانون در آن حاکمیت یابد. تنها در چنین حالتی است که جامعه قابلیت بقا و دوام می‌یابد و می‌تواند به حیات خود ادامه بدهد. اما اگر در جامعه‌ای عدالت و قانون حکومت نکند و حقوق اساسی مردم مورد هجوم و تجاوز قرار گیرد، دیر یا زود آن جامعه متلاشی خواهد شد و خشک و تر با هم خواهند سوخت.

عدالت، حق طبیعی و آرمان

تاریخی همه انسانها در طول قرون بسوده است اما متأسفانه همیشه خودکامگان و ستمگرانی پیدا شده‌اند و این حق را از آنان دریغ کرده‌اند و حس خودخواهی و افزون طلبی خود را به قیمت محروم کردن مردم از

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره قیام کنندگان به عدالت و گواهی دهندگان برای خدا باشید هر چند که این گواهی به ضرر خودتان یا پدر و مادر یا خویشان باشد.

در این آیه شریفه به یکی از اصول مهم انسانی و اسلامی فرمان می‌دهد و خطاب به مؤمنان می‌فرماید: ای مؤمنان همواره قیام به عدل کنید. یعنی در تمام شئون زندگی با مردم مطابق عدل و انصاف رفتار کنید. این خطاب هم متوجه حاکمان جامعه و هم متوجه مردم معمولی است. و اگر جامعه بشری را به یک هرم تشبیه کنیم عدالت هم در رأس هرم و هم در قاعده آن باید رعایت شود.

نیز آمده است که به عنوان نمونه چند آیه را با هم تلاوت می‌کنیم:

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ» (نساء/۱۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره قیام کنندگان به عدالت و گواهی دهندگان برای خدا باشید هر چند که این گواهی به ضرر خودتان یا پدر و مادر یا خویشان باشد.

جمعی و در تمام ارتباطها و پیوندهای خود باید آن را عملی سازند و حتی درباره دشمنان خود نیز عدالت را رعایت کنند و جامعه‌ای براساس عدل و قسط به وجود آورند.

خداوند با گفتن اینکه عدالت کنید که عدالت به تقوا نزدیکتر است، سخن از تقوا به میان می‌آورد و دستور می‌دهد که تقوا داشته باشید و از خدا پروا کنید که خداوند به کارهایی که انجام می‌دهید داناست و از آن خبر دارد.

از نظر قرآن، مسلمان باید درباره دشمنان خود نیز عدالت را رعایت کند. این حقیقت علاوه بر آیه مورد بحث، در آیات دیگری از قرآن

نیز آمده است که به عنوان نمونه چند آیه را با هم تلاوت می‌کنیم:

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ» (نساء/۱۳۵)

ما قَوَّامینَ لِلّٰهِ شَهِدَاءٌ بِالْقِسْطِ وَلِیُّ دَرِ اَیْنِ  
 آیه قَوَّامینَ بِالْقِسْطِ شَهِدَاءٌ لِلّٰهِ اَمَدَه اَسْت.  
 شاید دلیل این تغییر در عبارت این  
 باشد که در سوره نساء دنباله آیه راجع  
 به خود انسان و پدر و مادر و خویشان  
 است و از مؤمنان خواسته می شود که  
 اگر به ضرر اینها هم باشد شهادت

درست بدهند در  
 اینجا اگر شهادت  
 درست هم ندهد به  
 ظاهر خلاف عدل  
 نکرده چون  
 خویشان هستند و  
 حق بر او دارند و  
 فقط ایمان به  
 خداست که می تواند  
 انسان را وادار به  
 شهادت درست کند

جامعه بشری نیز باید با جهان آفرینش  
 هماهنگ و همسو باشد و عدل و قانون در  
 آن حاکمیت یابد. تنها در چنین حالتی  
 است که جامعه قابلیت بقا و دوام  
 می یابد و می تواند به حیات خود ادامه  
 بدهد. اما اگر در جامعه ای عدالت و قانون  
 حکومت نکند و حقوق اساسی مردم مورد  
 هجوم و تجاوز قرار گیرد، دیر یا زود آن  
 جامعه متلاشی خواهد شد و خشک و تر  
 با هم خواهند سوخت.

وقت شهادت دادن، خدا را در نظر  
 بگیرید و درست شهادت بدهید اگر  
 چه به ضرر خودتان یا پدر و مادرتان و  
 یا خویشاوندانتان باشد. از این آیه  
 معلوم می شود که انسان می تواند به  
 ضرر خویشان خود شهادت بدهد و  
 شهادت او مسموع است ولی روشن

است که چنین  
 شهادتی ایمانی  
 قوی و محکم  
 می خواهد که  
 انسان به خاطر  
 راستی و درستی،  
 دیگران را بر خود  
 مقدم بدارد و برای  
 جلب منافع  
 شخصی دروغ  
 نگوید و جز حق،

ولی در سوره مائده دنباله آیه راجع به  
 دشمنان است و خواسته می شود که  
 حتی در حق دشمنان هم شهادت

هیچ مصلحتی را در نظر نگیرد و  
 چیزی را ملاحظه نکند.

توجه کنیم که در آیه مورد بحث

اشراف و ثروتمندان تغییر می دادند و باطل را حق و حق را باطل می کردند. پس آنها عادت داشتند که دروغها را بشنوند و با خوردن مال حرام آنها را راست جلوه دهند.

پس از ذکر این دو صفت ناپسند که در یهودیها وجود داشت، در آیه

درست بدهد. در اینجا اعتقاد به عدل و قسط انسان را به ادای شهادت درست و ادار می کند.

۲. «... فَإِنْ جَاءُوكَ فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصْرِوْكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مانده/۴۳)

خداوند با گفتن اینکه عدالت کنید که عدالت به تقوا نزدیکتر است، سخن از تقوا به میان می آورد و دستور می دهد که تقوا داشته باشید و از خدا پروا کنید که خداوند به کارهایی که انجام می دهید داناست و از آن خیر دارد.

پس اگر نزد تو آیند میان آنها داوری کن یا از آنان روی بگردان و اگر از آنان روی بگردانی، نمی توانند زبانی به تو برسانند و اگر داوری کردی، پس میان آنها با عدالت دادرسی کن همانا خداوند عدالت پیشه گان را دوست می دارد.

بالا، خطاب به پیامبر اسلام می فرماید: اگر آنها پیش تو بیایند (همانگونه که در داستان حکم زنای محصنه آمدند) پس تو در میان آنها داوری کن و یا از آنها روی گردان. یعنی تو مخیری که داوری میان آنها را بپذیری و یا رد کنی

این آیه راجع به یهود است، در آیه قبل از آن به قضاوت های اجبار و علمای یهود به شدت اعتراض شده، چون آنها عادت داشتند که در مقام قضاوت با گرفتن رشوه به دروغهای طرف گوش بدهند و به نفع او حکم صادر کنند. آنها احکام خدا را به نفع

رعایت بکنید و خویشاوندی باعث آن نشود که شما به نفع آنها سخن یا شهادت دروغی به زبان آورید.

۴. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا

و اگر داوری آنها را پذیرفتی، میان آنها با عدل و داد داوری کن که خدا عدالت پیشه گان را دوست دارد. منظور این است که از این جهت که آنها یهودی هستند، نباید درباره آنها از عدالت و انصاف کنار بیفتی و این نشانگر عدالت فراگیر اسلام است که درباره دشمن هم اجرا می شود.

پس از دستوری که به رعایت عدالت می دهد، به یکی از مظاهر روشن آن می پردازد و آن شهادت دادن به حق است و اظهار می دارد که هر وقت شهادت می دهید برای خدا و به خاطر رضایت او شهادت بدهید یعنی وقت شهادت دادن، خدا را در نظر بگیرید و درست شهادت بدهید اگر چه به ضرر خودتان یا پدر و مادرتان و یا خویشاوندانتان باشد

۳. «...وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعَثَ اللَّهُ أَقْفُوا ذَلِكُمْ وَ ضَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ». (انعام/۱۵۲)

و چون سخن گفتید، از روی عدالت بگویید اگر چه خویشاوند باشد و به پیمان خدا

بصبراً». (نساء/۵۸)

همانا خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش باز دهید و چون میان مردم داوری نمودید، از روی عدل داوری کنید. همانا خداوند چه نیکو شما را با آن موعظه می کند همانا خداوند شنوا و

وفا کنید. این چیزی است که خدا شما را به آن سفارش می کند شاید شما پند بگیرید.

این آیه به مسلمانان دستور اکید می دهد که حتی اگر راجع به خویشان خود حرفی می زنید یا شهادتی می دهید عدل و انصاف را

بیناست.

است و کسی که به این مسند تکیه زده باید با احتیاط کامل عمل کند و بر اساس حق و عدالت داوری نماید و گرنه جایگاه او آتش جهنم خواهد بود. این فرمان، اختصاص به قاضیان و حاکمان ندارد بلکه باید تمام افراد جامعه خود را به آن متعهد بدانند و در قضاوت‌های خود درباره اشخاص، حق

سعادت و نیکبختی یک جامعه هنگامی تأمین می‌شود که در آن جامعه کار به دست اهل آن سپرده شود و امانتها به صاحبان اصلی آن برگردانده شود و دیگر اینکه از داوری از روی عدل باشد. در این آیه، خداوند به این دو مورد که دو عامل سعادت انسان است فرمان می‌دهد و اضافه می‌کند خداوند چه خوب شما را موعظه می‌کند. برآستی که این دو فرمان از بهترین موعظه‌هایی است که خدا بندگان را با آنها مورد خطاب قرار داده است. این دو فرمان عبارت است از:

۱- ادای امانت؛

۲- داوری به عدالت.

این فرمان اختصاص به قاضیان و حاکمان ندارد بلکه باید تمام افراد جامعه خود را به آن متعهد بدانند و در قضاوت‌های خود درباره اشخاص، حق و عدالت را در نظر بگیرند و به خاطر مصالح شخصی خود، انصاف را زیر پا نگذارند.

فرمان دوم خدا در این آیه که مورد بحث ماست، این است که چون در میان خود به داوری و قضاوت نشستید، از روی عدل داوری کنید. قضاوت، یک منصب مهم و خطیر است و حقوق مردم در دست قاضیان

و عدالت را در نظر بگیرند و به خاطر مصالح شخصی خود، انصاف را زیر پا نگذارند.